

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: جیمز پتراس  
برگردان از: آمادور نویدی  
۲۲ اکتوبر ۲۰۱۶

## شیوه های تبلیغات امپریالیسم



### جیمز پتراس

سبک قدیمی دشمنی آشکار با عموم منسوخ شده است: تبلیغات جدید که سرگرمی را با نظامی گری ترکیب می کند، به نخبگان حاکم اجازه می دهد تا برای جنگ های خود بدون مزاحمت در تجربه تماشاگران، حمایت ضمنی را تأمین نمایند... واشنگتن برای آن که همیشه قدرت جهانی بماند، تلاش می کند که به طور دائم و سیستماتیک متعهد به تبلیغات جنگی باشد... امپراتوری معمولاً با نژاد، جنسیت، مذهب، قومیت و اعمالش شناسائی می شود. مبلغان امپریالیستی با توسل به همکار گرفتن و فاسد ساختن سیاه پوستان، اقلیت های قومی و رهبران زنان و سخنگویان مردم، بارها جنبش های ضد امپریالیستی را خلع سلاح و تضعیف کردند... ارتقاء اوپاما به ریاست جمهوری در سال ۲۰۰۸ نشان داد که چه گونه مبلغان امپریالیستی سیاست نقش شخصیت را جهت تضعیف مبارزات طبقاتی و ضد امپریالیستی به کار برده اند. تحت اوپاما رئیس جمهور تاریخی سیاه پوست، امریکا هفت جنگ را علیه «مردم تیره پوست» در جنوب آسیا، خاورمیانه و شمال افریقا دنبال کرد. پس از آن که امریکا و اتحادیه اروپا به نام مداخله بشر دوستانه لیبیا را نابود ساختند، بیش از یک میلیون نفر مرد و زن سیاه پوست سبب صحرایی الاصل، خواه شهروندان لیبیایی باشند و یا کارگران قراردادی کشورهای همسایه، کشته و بی خانمان گشته و توسط متحدان امریکا به تبعید رانده شدند. صدها هزار نفر از اعراب در یمن، سوریه و عراق در دوره اوپاما، این به اصطلاح رئیس جمهور «سیاه پوست تاریخی» بمباران شده اند. «هوایماهای بدون سرنشین تهاجمی» اوپاما صدها روستائی افغان و پاکستانی را کشته است. چنین است قدرت «سیاست نقش شخصیت» که به اوپامای رسوا «جایزه صلح نوبل» اهداء کرد... استفاده از سیاست نقش شخصیت ممکن است چند بار اول کارآئی داشته باشد، اما به ناچار تمام کارگران استثمار شده سیاه پوست، لاتین و مهاجر، تمام زنانی که بیش از حد کار، ولی کمتر دریافت می کنند، و مادران حرکات نمادین پوچ را رد می کنند، و

خواهان تغییرات اجتماعی و اقتصادی واقعی هستند... مورد استعمار فلسطین توسط امریکا و اسرائیل به روشنی نشان می‌دهد که چگونه جنایتکاران هار، غارت، پاکسازی قومی و خود غنی‌سازی را توجیه کرده و از طریق زبان گذشته از قربانی تجلیل می‌کنند. مبلغان در امریکا و اسرائیل «فرقه هولوکاست» را ایجاد کرده‌اند و جنایتی را پرستش می‌کنند که نزدیک به یک قرن پیش توسط نازی‌ها علیه یهودیان (همچنین علیه اسلاوها، کولی‌ها و اقلیت‌های دیگر) در اروپا صورت گرفته است، تا تسخیر خونین و غصب سرزمین‌ها و حاکمیت اعراب و درگیری در حملات نظامی سیستماتیک خود را علیه لبنان و سوریه توجیه کنند. میلیون‌ها مسلمان و مسیحی فلسطینی به تبعید ابدی رانده شده‌اند. یهودیان صهیونیست نخبه، ثروتمند و به خوبی سازماندهی شده، با نفوذ و وفا دار به اسرائیل، با موفقیت هر مبارزه واقعی معاصر برای صلح در خاورمیانه را تخریب نموده و از طریق ترویج نظامیگری و ساخت امپراتوری، برای دمکراسی اجتماعی در امریکا موانع واقعی ایجاد کرده‌اند. کسانی که مدعی به نمایندگی از قربانیان گذشته هستند، به سرکوبگرترین نخبگان معاصر تبدیل شده‌اند. آنها با استفاده از زبان «دفاع»، مروج اشکال تهاجمی بسط و غارت هستند. آنها ادعای انحصار خود را بر «رنج و عذاب» تاریخی می‌گذارند که به آنها «تقدیر ویژه» از قوانین رفتار متمدن داده است. فرقه آنها از هولوکاست به آنها اجازه می‌دهد تا درد بسیار زیادی بر دیگران تحمیل کنند، در حالی که هر انتقادی با اتهام «ضد یهودی» و مجازات بی‌وقفه منتقدان خاموش می‌شود. نقش کلیدی آنها در جنگ تبلیغاتی امپریالیستی بر مبنای ادعاهای آنها از حق آزادی منحصر به فرد بر درد و مصونیت قواعد عدالت است.

\*\*\*\*\*

#### مقدمه:

واشنگتن برای آن که همیشه قدرت جهانی بماند، تلاش می‌کند که به طور دائم و سیستماتیک متعهد به تبلیغات جنگی باشد. هر جنگ بزرگ و کوچک قبلاً با تبلیغات مدام دولت همراه بوده، که با تضمین تأیید عموم، بهره‌برداری از قربانیان، تهمت به منتقدان، غیر انسانی نشان دادن دشمنان هدف قرار گرفته و توجیه همکاری متحدان خود طراحی شده باشد.

در این مقاله ما دربارهٔ رایج‌ترین شیوه‌هایی که اخیراً جهت ادامهٔ حمایت از جنگ‌های امپریالیستی به کار گرفته شده است، بحث می‌کنیم.

### شیوه‌های تبلیغات امپراتوری

#### واژگون‌سازی نقش

تکنیک معمول، که توسط مبلغین امپریالیستی تمرین می‌شود، آنست که قربانیان را به همان جنایات مشابهی متهم کنند، که خودشان مرتکب شده‌اند. بمباران به خوبی مستند، عمدی و بادوام عملیات سربازان دولت سوریه درگیر علیه تروریست‌های داعش توسط امریکا و اتحادیهٔ اروپا، منجر به مرگ و زخمی شدن تقریباً ۲۰۰ پرسنل سوری گشت و به مزدوران داعش اجازه داد تا به اردوگاه آن‌ها تجاوز کنند. اما سازمان‌های تبلیغاتی امپریالیسم، در تلاش جهت منحرف کردن نقش پنتاگون در ارائهٔ پوشش هوایی برای تروریست‌ها، در داستان حملهٔ هوایی به کاروان کمک‌های بشر دوستانه، بی‌اساس خلاف این ادعا را می‌رسانند. ابتداء تقصیر را به گردن دولت سوریه انداختند و سپس روسیه را مقصر دانستند. ولی شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد که این حمله به احتمال زیاد از یک حملهٔ راکتی زمینی توسط تروریست‌های داعشی بوده است، اما این منجر به جلوگیری از آسیاب تبلیغاتی امپریالیستی نگشت. این تکنیک

توجه امریکا و اتحادیه اروپا را از حمله جنایتکارانه مستند توسط بمب افکن های امپریالیسم دور می کند و پرسنل قربانی سوری و خلبان های امپریالیسم را مانند جنایت کاران بین المللی حقوق بشر نشان می دهد.

### یاوه گونی های آتشین

سخنگوی عمومی امپریالیستی در مواجهه با ننگ نقض گستاخانه توافق بین المللی آتش بس در سوریه، در تجمعات بین المللی، اغلب به طغیان غیرمنطقی متوسل می شود تا متحدان مردد را با سکوت مرعوب سازد و هرگونه شانس برای بحث منطقی جهت حل و فصل مشکلات سخت در میان دشمنان را از بین ببرد.

«رئیس یاوه گوی امریکا» در ملل متحد، سفیر **سامانتا پاور** است، که انتقاد تند و تیزی علیه روس ها به راه انداخت تا در بحث مجمع عمومی در نقض عمدی امریکا (حمله جنایتکارانه اش به سربازان سوری) در آتش بس اخیر سوریه، خراب کاری کند. این یاوه گو به جای یک بحث منطقی در میان دیپلمات های جدی، در به هم زدن بحث، دست پیش را گرفت که پس نیفتد.

### کاربرد سیاست نقش شخصیت در خنثی سازی جنبش های ضد امپریالیستی

امپراتوری معمولاً با نژاد، جنسیت، مذهب، قومیت و اعمالش شناسائی می شود. مبلغان امپریالیستی با توسل به همکار گرفتن و فاسد ساختن سیاه پوستان، اقلیت های قومی و رهبران زنان و سخنگویان مردم، بارها جنبش های ضد امپریالیستی را خلع سلاح و تضعیف کردند. استفاده از چنین علائم «نمادین» بر مبنای این فرض است که این ها «نمایندگانی» هستند که منافع واقعی به اصطلاح «اقلیت های به حاشیه راند شده» را منعکس می کنند، و بنابراین می توان فرض کرد که «برای مردم تحت ستم جهان صحبت» می کنند. پس، ترویج چنین «اعضای اقلیت» موافق و قابل احترام برای نخبگان، به عنوان تبلیغی برای رویداد «انقلابی» و تاریخی جهان آزاد است – که شاهد «انتخاب» رئیس جمهور امریکا **بارک اوباما** بود.

ارتقای **اوباما** به ریاست جمهوری در سال ۲۰۰۸ نشان داد که چه گونه مبلغان امپریالیستی سیاست نقش شخصیت را جهت تضعیف مبارزات طبقاتی و ضد امپریالیستی به کار برده اند.

تحت اداره **اوباما** رئیس جمهور تاریخی سیاه پوست، امریکا هفت جنگ را علیه «مردم تیره پوست» در جنوب آسیا، خاورمیانه و شمال افریقا دنبال کرد. پس از آن که امریکا و اتحادیه اروپا به نام مداخله بشر دوستانه لیبیا را نابود ساختند، بیش از یک میلیون نفر مرد و زن سیاه پوست سبب صحرائی الاصل، خواه شهروندان لیبیائی باشند و یا کارگران قراردادی کشورهای همسایه، کشته و بی خانمان گشته و توسط متحدان امریکا به تبعید رانده شدند. صدها هزار نفر از اعراب در یمن، سوریه و عراق در دوره **اوباما**، این به اصطلاح رئیس جمهور «سیاه پوست تاریخی» بمباران شده اند. «هوایماهای بدون سرنشین تهاجمی» **اوباما** صدها روستائی افغان و پاکستانی را کشته است. چنین است قدرت «سیاست نقش شخصیت» که به **اوبامای** رسوا «جایزه صلح نوبل» اهداء کرد.

در همین حال، در امریکا تحت ریاست **اوباما**، نابرابری های نژادی بین کارگران سیاه و سفید (دستمزد ها، بیکاری، دسترسی به مسکن، خدمات بهداشتی و آموزشی) گسترش یافته است. خشونت پولیس با مصونیت کامل برای «پولیس های قاتل» علیه سیاه پوستان تشدید شده است و در مقایسه با دولت های قبلی، بیش از دو میلیون از کارگران مهاجر لاتینی همراه با افزایش مشخص سرکوب اخراج شده اند – و صدها هزار خانواده را از هم پاشیده است. وام مسکن

میلیون ها نفر از کارگران سیاه و سفید مسدود شد، در حالی که تمام بانک های فاسد در نرخی بزرگتر از آن چه که در زمان رؤسای جمهور سفید پوست رخ داد، نجات یافتند.

کاربرد آشکار، و ریاکارانه سیاست نقش شخصیت، به ادامه و تعمیق جنگ های امپریالیستی، محرومیت های نژادی و استثمار طبقاتی کمک می کند و نمایندگی نمادین مبارزات طبقاتی را برای تغییرات واقعی تضعیف می نماید.

### رنج و عذاب گذشته برای توجیه استثمار دوران معاصر

مبلغان امپریالیستی بارها قربانیان و سوء استفاده های گذشته را فرا می خوانند تا مداخلات امپریالیستی تهاجمی خود و حمایت از «غصب سرزمین ها» و پاکسازی قومی مرتکب شده توسط متحدان استعماری خود – مانند اسرائیل، در میان دیگران را توجیه نمایند. برای توجیه ادامه وحشیگری علیه مردم هدف قرار گرفته معاصر، از حضور همیشگی قربانیان و جنایات گذشته استفاده می شود.

مورد استعمار فلسطین توسط امریکا و اسرائیل به روشنی نشان می دهد که چگونه جنایت کاران هار، غارت، پاکسازی قومی و خود غنی سازی را توجیه کرده و از طریق زبان گذشته از قربانی تجلیل می کنند. مبلغان در امریکا و اسرائیل «فرقه هولوکاست» را ایجاد کرده اند، و جنایتی را پرستش می کنند که نزدیک به یک قرن پیش توسط نازی ها علیه یهودیان (همچنین علیه اسلاوها، کولی ها و اقلیت های دیگر) در اروپا صورت گرفته است، تا تسخیر خونین و غصب سرزمین ها و حاکمیت اعراب و درگیری در حملات نظامی سیستماتیک خود را علیه لبنان و سوریه توجیه کنند. میلیون ها مسلمان و مسیحی فلسطینی به تبعید ابدی رانده شده اند. یهودیان صهیونیست نخبه، ثروتمند و به خوبی سازماندهی شده، با نفوذ و وفا دار به اسرائیل، با موفقیت هر مبارزه واقعی معاصر برای صلح در خاورمیانه را تخریب نموده و از طریق ترویج نظامیگری و ساخت امپراتوری، برای دموکراسی اجتماعی در امریکا موانع واقعی ایجاد کرده اند. کسانی که مدعی به نمایندگی از قربانیان گذشته هستند، به سرکوبگر ترین نخبگان معاصر تبدیل شده اند. آنها با استفاده از زبان «دفاع»، مروج اشکال تهاجمی بسط و غارت هستند. آنها ادعای انحصار خود را بر «رنج و عذاب» تاریخی می گذارند که به آنها «تقدیر ویژه» از قوانین رفتار متمدن داده است: فرقه آنها از هولوکاست به آنها اجازه می دهد تا درد بسیار زیادی بر دیگران تحمیل کنند، در حالی که هر انتقادی با اتهام «ضد یهودی» و مجازات بی وقفه منتقدان خاموش می شود. نقش کلیدی آنها در جنگ تبلیغاتی امپریالیستی بر مبنای ادعاهای آنها از حق آزادی منحصر به فرد بر درد و مصونیت قواعد عدالت است.

### چشم انداز سرگرمی برخط مشی نظامی

چشم انداز سرگرمی از نظامی گری تجلیل می کند. مبلغان امپریالیستی عموم را به جنگ های منفوری که توسط رهبران بی اعتبار ترویج داده می شوند، رجعت می دهند. در رویدادهای ورزشی سربازان ملبس به قهرمانان جنگ را با نمایش عاطفی گوش کر کن «مراسم احترام به پرچم» نشان می دهند، تا رفتن به جنگ های تهاجمی ادامه دار را جشن بگیرند. این مخارج هنگفت با عناصر خام مذهبی، خواهان وفاداری ملی تماشاگران به عنوان پوششی برای ادامه جنایات جنگی در خارج و تخریب حقوق اقتصادی شهروندان در داخل کشور است. نوازندگان و هنرمندان چند میلیاردی از همه نژادها و گرایشها، جنگ را با سیمائی انسانی به توده ها نشان می دهند. هنرمندان با چهره های خندان درست مانند همان قدرتی که چهره مهربان و دوستانه رئیس جمهور با نظامی گری همراه است، در خدمت نسل کشی هستند. پیام تبلیغاتی برای تماشاگر آن ست که «تیم یا خواننده مورد علاقه شما اینجا درست برای شما وجود دارد... به

این دلیل که جنگ های باشکوه و جنگ جویان شجاع ما، شما را آزاد ساخته اند و حال آنها می خواهند شما را سرگرم کنند.»

سبک قدیمی دشمنی آشکار با عموم منسوخ شده است: تبلیغات جدید که سرگرمی را با نظامی گری ترکیب می کند، به نخبگان حاکم اجازه می دهد تا برای جنگ های خود بدون مزاحمت در تجربه تماشاگران، حمایت ضمنی را تأمین نمایند.

## نتیجه گیری

### آیا شیوه های تبلیغات امپریالیسم کارآئی دارد؟

تا چه اندازه شیوه های تبلیغات مدرن امپریالیسم مؤثر هستند؟ به نظر می رسد که نتایج مختلط باشند. در ماه های اخیر، ورزشکاران سیاه نخبه با زیر سؤال بردن نیاز به نمایش احترام به پرچم، شروع به اعتراض علیه نژاد پرستی سفید پوستان کرده اند... بحث جنجالی عمومی را به مسائل بزرگ تر خشونت پولیس و به حاشیه راندن پایدار باز کرده اند. سیاست نقش شخصیت، که منجر به انتخاب اوباما شد، ممکن ست که به مسائل مبارزه طبقاتی، عدالت نژادی، ضد نظامی گری و تأثیر بر جنگ های ادامه دار امپریالیستی راه یابد. یاهو های هیستریک ممکن ست هنوز توجه بین المللی را تأمین نماید، اما تکرار اجرای آن شروع به از دست دادن تأثیر و موضوع «یاهو گوئی» تا تمسخر شده است. برای کمک چند میلیارد دلاری امریکا به اسرائیل، فرقه قربانی کمتر به یک دلیل منطقی تبدیل شده است، تا نفوذ اقتصادی و سیاسی قاطع و جمع آوری تبهکارانه کمک مالی میلیاردی صهیونیستی که خواستار حمایت سیاستمداران امریکائی از دولت اسرائیل هستند. استفاده از سیاست نقش شخصیت ممکن ست چند بار اول کارآئی داشته باشد، اما به ناچار تمام کارگران استثمار شده سیاه پوست، لاتین و مهاجر، تمام زنانی که بیش از حد کار، ولی کمتر دریافت می کنند، و مادران حرکات نمادین پوچ را رد می کنند، و خواهان تغییرات اجتماعی و اقتصادی واقعی هستند - و در اینجا آنها علایق مشترک با اکثریت قریب به اتفاق کارگران سفید پوست تحت استثمار پیدا می کنند. به عبارت دیگر، شیوه های تبلیغاتی موجود اثرات خود را از دست می دهند - اخبار رسانه ئی شرکت های بزرگ ساختگی دیده می شوند. وقتی که بازی شروع شده است، چه کسی سربازان هنرپیشه و مراسم احترام به پرچم را دنبال می کند؟

مبلغان امپراتوری برای به دست گرفتن خط جدیدی در جلب توجه و اطاعت عمومی فرو مانده اند. آیا بمب گذاری تروریستی اخیر داخلی در نیویورک و نیوجرسی می تواند باعث تحریک هیستری توده ئی و نظامی شدن بیشتر کشور شود؟ آیا آن ها می توانند به عنوان پوششی برای جنگ های بیشتر در خارج خدمت کنند...؟

نظرسنجی اخیر، منتشر شده در مجله تایمز نظامی، گزارش داد که اکثریت قریب به اتفاق پرسنل امریکائی فعال، مخالف جنگ های بیشتر امپریالیستی هستند. آن ها خواستار دفاع و عدالت اجتماعی در داخل هستند. در حالی که سیاه پوستان غیرمسلح توسط پولیس در خیابان ها به قتل می رسند، حتی پرسنل و سربازان بازنشسته برای حمایت از ورزشکاران سیاه پوست که از شرکت در مراسم احترام به پرچم خودداری می کنند، گروه هائی تشکیل داده اند. علی رغم تبلیغات چند میلیارد دلاری انتخاباتی، بیش از شصت درصد از رأی دهندگان، نامزدهای انتخاباتی هر دو حزب اصلی را رد می کنند. در نهایت قاعده کلی واقعی شروع به تضعیف تبلیغات دولت کرده است.

**درباره نویسنده:**

جیمز پتراس، استاد بارتل (بازنشسته) جامعه شناسی در دانشگاه بینگهامتون، نیویورک است. آدرس سایت اینترنتی:

<http://petras.lahaine.org/>

**برگردانده شده از:**

<http://petras.lahaine.org/?p=2103>